



## اشارات جسمانی نماز

پدیدآورده (ها) : ویلیام چیتیک؛ نقدبیشی، معصومه  
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه دین :: شهریور 1391 - شماره 179  
از 115 تا 117  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/913453>

دانلود شده توسط : معصومه نقدبیشی  
تاریخ دانلود : 22/08/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## اشارات جسمانی نماز

ویلیام جیتیک

مترجم: معصومه نقدبیشی\*

مقاله حاضر ترجمه فصل دوم جدیدترین اثر از ویلیام جیتیک، نویسنده و پژوهشگر توانای عرفان و تصوف، به نام «در جستجوی قلب گمشده»<sup>۱</sup> است. نگارنده در این فصل به شیوه‌ای محققانه به تشریح اشارات و معانی نهفته در حرکات نماز پرداخته و به گونه‌ای موجز خواننده را به تعمق در این امر دعوت می‌نماید. تطبیق اسرار نماز با انسان‌شناسی و سیر انسان در قوس صعود و نزول (معراج) محور اصلی این مقاله را تشکیل داده است.

اگر بیان شهادت، اقرار به تسلیم شدن در مقابل حب و رحمت خداست پس نماز توصیه‌شده‌ترین فعالیت جسمانی از سوی خداوند می‌باشد که به این امر (شهادت) اضافه شده است. مفهوم نماز از بسیاری جهات می‌تواند مورد نگرش قرار گیرد. شاید [بتوان گفت] بهترین شیوه برای شناخت حرکات نماز، قرار دادن این حرکات در بستر آموزه‌های اسلامی برای عالم صغیر انسانی است. این تعالیم به وضوح بین بُعد سفلی، ظلمانی، کثیف، ناخودآگاه و پراکنده انسان که جسم نامیده می‌شود [و همچنین] بُعد علوی، درخشان، لطیف، خود آگاه و یگانه که روح نامیده می‌شود، تمایز قائلند. جسم [انسان] تصویر جسمانی خداست<sup>۲</sup> در حالی که روح، نفس خداست که در زمان سرشتن گل انسان در جسم او دمیده شد.<sup>۳</sup> [پس] تنها یک روح فطری (نفس خداوند) و تعداد بسیار زیادی از ابدان انسان‌ها که همگی بر صورت خدا ساخته شده‌اند، وجود دارد. در هر فرد، روح و جسم در یک سطح میانجی (برزخ) به نام نفس با هم آمیخته‌اند.

نفس، نمایانگر برخورد بین کیفیات روح و جسم و منبع آگاهی و شخصیت است؛ اما [نمی‌توان گفت] تنها معنوی یا به طور کامل مادی است؛ بلکه درون نفس، نور با ظلمت، دانش با جهل، وحدت با کثرت، ذکر با نسیان، زندگی به همراه مرگ

نویسندگان مسلمانی که اهمیت نماز را توضیح می‌دهند، آن را متضمن پایه‌ای کامل در عمل اسلامی دانسته‌اند. مخاطب آن‌ها افرادی هستند که نماز را به جا می‌آورند و این عمل، عادت ثانویه آن‌ها شده است. این نویسندگان به ندرت مفهوم حرکات نماز را مورد بحث قرار می‌دهند و تنها در چارچوبی که به عنوان «اسرار عبادات» شناخته شده، سخن می‌گویند. به طور معمول، نویسندگان چنین آثاری صوفی بوده و خود را متعلق به گروهی از مسلمانان می‌دانند که با تفاسیر سطحی راضی نشده و این گروه معنایی فراسوی شکل و ظاهر را مورد تأکید قرار می‌دهند.

با این وجود، این آثار توجه بسیار بیشتری به اهمیت دستورات عمل‌های متنوع و قرائت آیات قرآنی دارند تا به خود حرکات جسمانی. بی‌تردید بخشی از دلیل این سکوت مرتبط با این امر است که بدن با حکمت حرکت وفق یافته و در نتیجه بیان لفظی غیر ضروری به نظر می‌رسد. با این همه، معاد جسمانی است و قرآن به ما می‌گوید که هر یک از جوارح به خاطر اعمالشان در این دنیا، مورد مؤاخذة قرار خواهند گرفت.<sup>۴</sup> پیامبر (ص) نماز را ستون دین نامید<sup>۵</sup> لذا نماز به عنوان ستون دین، بقیه‌ی تعالیم دین اسلام را نگه داشته و اساسی‌ترین عملی را که خدا از بشر خواسته، بیان می‌کند.



و قدرت با ضعف عجین است.<sup>۶</sup> از طریق نفس، روح و جسم با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و بر هم اثر می‌گذارند. این تعامل ظاهر شده و لحظه به لحظه در [ساخت‌های] اندیشه، گفتار و عمل دست‌خوش تغییراتی می‌گردد. هدف از وجود انسان در این دنیا، ادغام اسفل در اعلی، مادیت در معنویت و انسانیت در الوهیت است. از این حیث، فرد مسلمان می‌کوشد جسمش را به نفس و نفسش را به روح بسپارد. اما این امر به برقراری یک رابطه‌ی محکم و استوار با کانون الهی و چنگ زدن به ریسمان الهی و بازگشت تمام فعالیت‌های متفرقه و پراکنده‌ی جسم و نفس به خداوند بستگی دارد.

نماز، مردم را در هر سطح وجودی که دارند به خود می‌خواند. حرکات [نماز]، مدلی را برای تلفیق فعالیت‌های بدنی با حقیقت، ارائه می‌نماید. نماز نیز همچون انسان، دارای سه بُعد اساسی [روح، جسم و نفس] است. روح [نماز]، تمرکز حواس یا حضور قلب است؛ در هر نمازی، مسلمانان به صورتی پایدار و محکم تلاش می‌کنند تا قلب در ذکر خداوند، مبهوت گردد. این واقعیت که هر فردی که نماز را اقامه می‌کند در تثبیت کمترین [میزان] تمرکز حواس می‌کوشد، دقیقاً مانند حقیقت زندگی بشر است که اثباتی بر حضور روح می‌باشد. اما حضور کامل قلب به کمیابی خودآگاهی انسان که در سطح روح الهی واقع شده، است. این آگاهی هدف [اصلی] وجود انسان است و تنها پیامبران (ص) و اولیاء خدا آن را تجربه می‌کنند.



هر حرکتی [در نماز] با آیات خاصی از قرآن و یا دستورالعمل‌های نبوی که کلیدی بر اهمیت آن [حرکات را] ارائه می‌کنند، همراه است و [در واقع] آیات و احادیث بین شکاف موجود میان روح و جسم و تمرکز حواس و فعالیت بدنی پل زده و همچون برزخی میان روح و بدن نماز هستند. [این آیات و روایات] به منزله نفس نماز بوده و درخشندگی روح نماز را با مادیت صورت در یک جا جمع می‌کنند. بدین ترتیب، کلمات یک سرشت جسمانی «بند بند» مانند حرکات [نماز] دارند اما معنای نهایی آن‌ها ورای تمام صورتهاست. در میان متون بسیاری که منابع و مأخذ برای نشان دادن اهمیت نماز نقل قول کرده‌اند [این حدیث] به چشم می‌خورد: «الصلاة معراج المومن»<sup>۷</sup>. معراج به معنای صعود پیامبر (ص) است که به موجب آن، او از طریق ملکوت به حضور الهی رسید. کلمه معراج در معنای تحت اللفظی یعنی وسیله‌ای برای بالا رفتن یا نردبان، اما یکی از نردبان بالا می‌رود و دیگری از آن پایین می‌آید و اهمیت معراج نه تنها در عروج پیامبر (ص) که در بازگشت او به جهان نیز هست. این دو حرکت [صعود و نزول] معرف دو مرحله مهم از کمال معنوی

است که در ساختار نماز نشان داده شده است.

طبق نظریه پذیرفته شده عمومی، معراج پیامبر (ص) جسمانی بوده<sup>۸</sup> و به عبارت دیگر، کمال بشر به ابعاد معنوی، نورانی و نامرئی محدود نمی‌شود بلکه [همچنین] این امر به بُعد مادی، تیره و مرئی نیز مرتبط است چون صورت الهی صفات خاصی را ظاهر می‌کند که مستلزم شکل مادی است. جسم یک مؤلفه اساسی در جستجوی خداست و درست مانند نفس، بدن نیز دست‌خوش دگرگونی‌های مناسب در سطح خود می‌شود.

نماز دارای چهار حالت اصلی است:

۱. حالت ایستاده مستقیم (قیام)؛
۲. رکوع، به طوری که پشت و سر موازی با زمین باشند؛
۳. سجده با قرار دادن زانوها، دست‌ها و پیشانی [و نوک انگشتان بزرگ هر دو پا] بر زمین؛
۴. نشستن بر روی زانو رو به جلو به طوری که پشت، صاف باشد (تشهد).

هر نماز واجب از دو، سه و یا چهار رکعت تشکیل می‌شود: یک رکعت متشکل از ایستادن (قیام)، رکوع، دوباره قیام، سجده، سر از سجده برداشتن و نشستن، سجده دوباره [سجده‌ی دوم]، سپس سر از سجده برداشتن و قیام کردن یا نشستن جهت خواندن تشهد. البته این امر بستگی به این دارد که نمازگزار در حال انجام چه رکعتی است.

در بخش نخست هر رکعت، شخص با [قرار دادن] دست‌ها در کنار خود یا به صورت متکف؛ دست‌ها به صورت تاخورد در مقابل شکم (بسته به مکتب فقهی که نمازگزار تابع آن است) می‌ایستد. خداوند به تمام افراد فرمان داده تا مسئولیت مقام انسانی خود را به عهده گیرند و آن‌ها [نیز] با ایستادن در پیشگاه او به عنوان بنده به او پاسخ می‌گویند. معنای قیام، وقتی که در تقابل با دو حالت رکوع و سجود [بررسی می‌شود] به وضوح مشخص می‌شود. ابن عربی خاطر نشان می‌کند که رکوع، برزخی بین قیام و سجود است.<sup>۹</sup> این بسیار قابل توجه است که قرآن فعل «سجده کردن» را اغلب اوقات در داستان به سجده افتادن ملائکه در مقابل آدم به امر خداوند و سرپیچی شیطان از انجام این دستور به کار می‌برد. سجده در مقابل خداوند، اذعان به برتری مقام اوست و بدین ترتیب شخص تسلیم بودن کامل خود را چه از نظر روحی و چه جسمی در برابر امر خداوند نشان می‌دهد. شیطان از هوای نفس خود پیروی کرد و سرسختانه از پذیرش هدایت حق تعالی سرباز زد. شعار او این بود: «من از او بهترم» (ص: ۷۶). شیطان، آدم را پایین‌تر از خود پنداشته لذا او را شایسته‌ی سجده ندانست. [پس] بنده ای [هم] که حاضر به سجده در برابر خداوند نباشد [به نوعی] می‌گوید: من از او بهترم. در حالت قیام، بنده در یک صفت الهی سهیم است چرا



که خدا «حَى الْقَيُّوم» (البقره: ۲۵۵) است. اما [در مقابل] رکوع و سجود، فقط از ویژگی‌های بنده هستند و نه پروردگار، این حالت در مفاهیم خشوع، تواضع، فروتنی و خضوع مشترک است. همان‌گونه که ابن‌عربی اشاره می‌کند، از طریق سجده، بنده در پی خاستگاه خود که گِلِ رُس است، می‌باشد در حالی که از طریق قیام او تلاش می‌کند تا به ریشه‌ی ویژگی‌های مثبتش که همان روح است برگردد. گل رس از آب و خاک ساخته شده و دارای ویژگی‌هایی نظیر دنات، ظلمت، تراکم، درشتی، کندی، انفعال، چهل و مرگ است. [در حالی که] روح، نَفَس الهی بوده و در جنس خود با فرشتگان یکی است و خصوصیات ذاتی آن شامل: علو، درخشندگی، لطافت، سبکی، روشنایی، پویایی، علم و زندگی می‌باشد. قیام نمایانگر سرشت روحانی انسان، سجده مبین طبیعت جسمانی و رکوع، حوزه میانجی نفس است و در مجموع حرکات سه گانه [نماز]، حاکی از بندگی جمیع انسان‌هاست.

اگر چه روح در مقایسه با بدن، متعالی و نورانی است، اما در مقایسه با خداوند، پست و تاریک است. بنده با تمام وجود به تصدیق این موضوع که هر چیز مثبتی در روح از خدا ناشی شده، تعظیم می‌کند. رکوع نشان می‌دهد که بنده این تفکر را که «من از او بهترم» را رد کرده چرا که می‌داند هر چه دارد از سوی پروردگارش است. او [با رکوع] ادعای استقلالی را که نفس در زمانی که خود را در معرض تابش نور روح می‌بیند و با وسوسه [شیطان] تصور می‌کند که این نور از آن خود اوست، رد می‌کند.

کلماتی که اغلب هنگام رکوع قرائت می‌شوند از این جمله‌اند: شنوایی من، بینایی من، مغز من، استخوان‌های من و عصب‌های من [همگی] در پیشگاه تو [ای خدا] خاضعند. هر کدام از این اندام‌ها و قوا دارای ویژگی‌های خاص الهی هستند که به انسان اجازه ادامه حیات می‌دهند و هر یک از این دو ساحت [جسم و روح] در روز قیامت مورد مواخذه قرار خواهند گرفت. رکوع نشان دهنده این نکته است که بنده تمام ادعاهایی که مبنی بر احساس مالکیت بر این اندام‌ها باشد را رد کرده و صرفاً ریشه تمام آن‌ها را در خدا [مالک حقیقی] می‌داند.

سپس سجده نقطه‌ای را نشان می‌دهد که بنده متعلق به آن است و به همان گِلِ رُس بر خواهد گشت. از این رو، اصحاب صوفیه معتقدند که سجده علامت ظاهری یکی از متعالی‌ترین مراحل کمال است. [سجده] تجربه و تشخیص بنده از فنا و نیستی خویش است و این امر فنای او در نور خداوند است.

نماز در حالت نشسته که بیانگر ثبات در ساحت میانی (نفس) است به پایان می‌رسد. اینجاست که بنده از خدا رحمت به محمد رسول الله (ص) را مسئلت می‌کند. وضعیت نشسته

صعود و رسالت-جانشینی به عنوان خلیفه خدا در جهان- خضوع بدن و عبودیت را با هم در می‌آمیزد. سجده [نماد] بازگشت از معراج و نشانه تحقق کاملی از صورت الهی و بقا در صفات خدا بعد از گسستن از تمامی صفات خود است. سجده معنای این آیه قرآنی را ترسیم می‌کند: «هر که روی زمین است دست‌خوش مرگ و فناست و زنده ابدی ذات خدای منعم با جلال و عظمت است». (الرحمن: ۲۶-۲۷)

### پی‌نوشت‌ها:

\* کارشناس ارشد عرفان اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

۱. In Search of the Lost Heart (Exploration in Islamic Thought).

کتاب «در جستجوی قلب گمشده (کاوش‌هایی در اندیشه‌ی اسلامی)» در فوریه‌ی ۲۰۱۲ میلادی توسط انتشارات سانی در آمریکا منتشر و هم اکنون توسط مترجم این مقاله در دست ترجمه است.

۲. «إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُولًا» (الاسراء: ۳۶). (تمام پانوشتها افزوده‌های مترجم است).

۳. پیامبر (ص): الصلوة عماد دینکم: میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۰.

۴. عهد عتیق، سفر تکوین: ۱: ۲۶-۲۷: آدم را به صورت ما و موافق و شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهائم و بر تمامی زمین و همه ی حشرات که بر روی زمین می‌خزند حکومت کند. پس خدا آدم را به صورت خویش آفرید، او را به صورت خدا آفرید...: ابن عربی، محی الدین، فصوص الحکم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۲۰۰۳، ص ۴۱: فص آدمی: فأنشأ صورته الظاهرة من حقائق العالم و صورته و انشأ صورته الباطنة علی صورته تعالی:

۵. فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ: الحجر: ۲۹.

۶. دکتر چیتیک پیشتر در کتاب مقدمه‌های بر عرفان و تصوف (Introduction to Sufism and Islamic Mysticism) فصلی را به نفس اختصاص داده بودند که حاصل آن این بود که نفس یک انسان در عمیقترین ساحت حقیقت خویش، هیچ کیفیت و ویژگی خاصی ندارد. او شناخت‌ناپذیر بودن نفس را یک امر واقعی و زیربنایی دانسته و در اثبات گفته ی خود به قرآن استناد می‌کند. (ر.ک: ص ۱۰۲ و ۱۰۴) و به نظر میرسد در این بیان کوتاه بیان خود را از چپستی نفس در تصوف و عرفان اسلامی کامل کرده‌اند.

۷. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۰۳.

۸. دست کم چنانچه آیه ی اول سوره اسراء می‌فرماید: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (ر.ک: فتوحات (۴ جلدی)، ج ۲، ص ۵۶۸.

